
How to teach history to children by emphasizing its educational role*

۱) Eftekhar Gasemzadeh* 2) Meysam Soleymani

1) Graduate Master, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

1) Graduate Master, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

(Received: ۲۰ February, 2023; Accepted: 7 March, 2023)

Abstract

One of the aspects that has attracted the special attention of education scholars is the early years of a child's life. It is at this age that the main framework of the child's personality is established and it grows and evolves in the next stages. This issue has caused the child's education to be looked at from a deep and scientific point of view, and the child as the basic element of education is more and more the attention of experts and educational officials. Therefore, in childhood education, since this period has a significant impact on the social and academic life of children, it is necessary to teach him all the aspects that a child will definitely face in his present and future life. History is one of the sciences whose education is very important. In Iranian society, history lessons and familiarity with the past are offered to students from elementary school. As a teacher of reason and emotion, history plays an important role in the life of society, and the most important goal of history education is to educate the young generation. This education is done first by the family and then by the teachers in the school, and the game is the best way to teach history in line with the education of children. Therefore, the current research intends to deal with it by descriptive-analytical method and by relying on library resources on how to teach history to children with emphasis on its educational role.

Keywords: history education, children, upbringing, education.

*Corresponding Author, Email: eftekhargasemzadeh@gmail.com

DOR: [20.1001.1.28211014.1401.3.4.3.7](https://doi.org/10.28211/1014.1401.3.4.3.7)**چگونگی آموزش تاریخ به کودکان با تأکید بر نقش تربیتی آن ***

(۱) افتخار قاسم زاده * (۲) میثم سلیمانی

(۱) دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام

خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(۲) دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام

خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(تاریخ دریافت: ۶ اسفند ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۶ اسفند ۱۴۰۱)

چکیده

یکی از جنبه‌هایی که توجه خاص علمای تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، سال‌های اولیه زندگی کودک می‌باشد. در این سنین است که چارچوب اصلی شخصیت کودک پی‌ریزی شده و در مراحل بعدی رشد و تکامل می‌یابد. این مسئله باعث گردیده که به تعلیم و تربیت کودک با دیدی عمیق و علمی نگاه شود و کودک به عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه متخصصان و مسئولان تربیتی قرار گیرد. بنابراین در آموزش دوران کودکی از آنجا که این دوره روی زندگی اجتماعی و تحصیلی کودکان تأثیر بسزایی می‌گذارد، باید تمام جوانبی که یک کودک در زندگی حال و آینده خود به‌طور حتم با آن روبه‌رو می‌شود را به او آموزش داد. تاریخ از جمله علمی است که آموزش آن اهمیت زیادی دارد. در جامعه ایران آموزش درس تاریخ و آشنایی با دوران گذشته، از دوران دبستان به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. تاریخ به‌عنوان معلم عقل و احساس، نقش مهمی در حیات جامعه بازی می‌کند که مهم‌ترین هدف از آموزش تاریخ، تربیت نسل جوان می‌باشد. این تربیت ابتدا توسط خانواده و سپس معلمان در مدرسه انجام می‌شود که بازی بهترین روش برای آموزش تاریخ در راستای تربیت کودکان می‌باشد. از این‌رو پژوهش حاضر قصد بر آن دارد با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای به چگونگی آموزش تاریخ به کودکان با تأکید بر نقش تربیتی آن بپردازد.

واژگان کلیدی: آموزش تاریخ، کودکان، تربیت، آموزش و پرورش.

۱. مقدمه

یکی از تمایلات اساسی انسان که او را به تفکر و کندوکاو وادار می‌کند، این است که بداند از کجا آمده و به‌سوی چه مقصدی در حرکت است و این تمایل او برای دانستن سرگذشتش در تمام جوانب زندگی از جمله زندگی شخصی، شغلی، اجتماعی و آموزشی وجود دارد و او پیوسته در تلاش است تا در این زمینه اطلاعاتی به‌دست آورد. به‌خاطر نیاز انسان به درک گذشته و سابقه زندگی و حوادث و رویدادها و پیشرفت تمدن‌ها، آموزش برخی رشته‌ها و علوم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و توجه بیشتری را نیز از طرف صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش جهان به خود جلب کرده است. تاریخ از جمله علمی است که آموزش آن اهمیت زیادی دارد طوری که به تدریج به سئوالات بشر درباره گذشته، اینکه از کجا آمده، شیوه زندگی او چگونه بوده، چگونه پیشرفت کرده و بسیاری از سئوالات دیگر او برای دانستن و کسب هویتش پاسخ می‌دهد.

امروزه دیگر مبحث تاریخ را به‌صورت یک سری داستان و حماسه‌های قهرمان‌گرایانه که دلاوری‌ها و رشادت‌ها را به تصویر بکشد، به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود. بلکه هدف عمده از آموزش تاریخ این است که کودکان و نوجوانان بتوانند درک کنند زندگی انسان برای رسیدن به تمدن امروز چه فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است و با چه نتایجی روبه‌رو بوده است. نقش آموزش تاریخ در زندگی، کمک به انسان برای درک حوادث تلخ و شیرین روزگاران گذشته و اینکه چه شرایطی منجر به کسب موفقیت‌ها و شکست‌ها شده است، آشنایی با پادشاهان و حکومت‌ها و نحوه زندگی مردم و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن‌ها در روزگاران گذشته، آشنایی با بزرگان و افتخارآفرینان کشور و پاسخ به هزاران سؤال دیگر که ممکن است در ذهن افراد پیش آید.

تحقیقات و مطالعات انجام شده در زمینه آموزش مباحث تاریخی نشان می‌دهد که نقش‌های فوق‌هنگامی به خوبی ایفا می‌گردد که تلاش مربیان، معلمان و برنامه‌ریزان این امر، با هدف فهماندن مفاهیم تاریخ انجام گیرد. اگر آموزش این رشته‌ها فقط به‌منظور ماهر کردن دانش‌آموزان در حفظ یکسری اسامی و حوادث کلی و جزئیات باشد و فقط به یادگیری مفاهیم کلی کتاب درسی اکتفا شود، نه تنها دانش‌آموزان فاقد توانایی‌های مورد نظر خواهند شد، بلکه از آنجا که آن‌ها با یکسری اطلاعات حفظ‌کردنی سروکار دارند، آنقدر از این درس تنفر پیدا می‌کنند که در صورت نیاز خود نیز تمایلی برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر آن نخواهند داشت.

در جامعه ما نیز، دیرزمانی است که مفاهیم تاریخی در کتاب‌های درسی مدارس توسط دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و این مفاهیم از مختصر اطلاعاتی درباره ایران باستان شروع شده و تا دوره معاصر ادامه دارد. با وجود اینکه دانش‌آموزان

برای یادگیری این مفاهیم ابتدا علاقه و آفری از خود نشان می‌دهند، اما در ادامه راه وقتی خشکی روش تدریس و محدود بودن اطلاعات موجود در کتاب‌های درسی را می‌بینند، نسبت به درس تاریخ بی‌علاقه شده و چه بسا فقط به‌خاطر کسب نمره قبولی، کتاب درسی را مطالعه می‌کنند که این امر را باید به کم-کاری معلمان هم نسبت داد؛ به‌خصوص در دوره ابتدایی که کودکان اطلاعات را با توجه به عینی بودنشان به ذهن می‌سپارند، به‌طوری که وقتی اطلاعات منحصر به مطالب کتاب درسی می‌شود، یادگیری هم دشوار می‌شود. در کشور ایران، آموزش مبحث تاریخ و دوران گذشته به افراد از دوران کودکی به-صورت غیررسمی با موضوعات دینی و ملی با روش‌هایی مانند قصه و داستان‌گویی و تهیه فیلم‌های مناسب درک کودک آغاز شده است، اما آموزش درس تاریخ به‌طور رسمی از پایه چهارم ابتدایی شروع می‌شود و دانش‌آموزان بدون دانش پیش‌زمینه، ناگهان با مفاهیمی چون دوره باستان، زندگی ابتدایی، اقوام ایرانی و دیگر مفاهیم مرتبط روبه‌رو می‌شوند که باعث سردرگمی دانش‌آموز شده و هرچه او به پایه‌های بالاتر می‌رود بر ابهاماتش اضافه گشته و فقط یک سری اطلاعات را بدون اینکه درک کرده باشد، به ذهن می‌سپارد. در حالی که فراگیری درس تاریخ مستلزم کسب مفاهیم مقدماتی و رشد ذهنی معینی است، این عوامل در موفقیت کودک در درک مفاهیم موجود نقشی مؤثر دارد و باعث می‌شود اطلاعاتی که به ذهن سپرده می‌شود برای او درونی شود. همچنین کودکی که در محیطی غنی و سرشار از محرکات و فعالیت‌های مختلف، تجربه مفاهیم مقدماتی مورد نیاز برای درک آموزش تاریخ را کسب کرده باشد، آمادگی بیشتری برای درک مطلب و آموزه‌های درس تاریخ در دوره ابتدایی دارد؛ اما شرایط زندگی کودکان بسیار متفاوت و مختلف است و برخورداری از چنین محیط‌هایی از سطوح مختلفی از فقر و غنای محرکات و تجارب مقتضی سبب ایجاد درجات متفاوتی از آمادگی دانش‌آموزان به هنگام ورود به مدرسه می‌شود (خلیلی، ۱۳۸۴).

از آنجا که کودکان یکی از منابع اطلاعاتی قابل دسترس را آموزگاران یا والدین می‌دانند، پس انتظار دارند که آن‌ها بتوانند به پرسش‌هایشان پاسخ گویند. بنابراین مربیان و معلمان باید برای ایجاد درک و فهم در کودکان، مفاهیم و مطالب مورد نظرشان را به شیوه‌ای مناسب ارائه کنند تا همه کودکان از مطالب گفته شده، حداکثر بهره را ببرند (همان).

۲. چرا تاریخ مطالعه می‌کنیم؟

چرا تاریخ مطالعه می‌کنیم؟ این سوالی است که همه افراد از خود و حتی دانش‌آموزان از معلم خود می‌پرسند (مورفی، ۲۰۰۷). تاریخ اصطلاحی است که برای مطالعات و بررسی آثار به جا مانده و رویدادهای مربوط به گذشته به کار می‌رود و در فرهنگ فارسی به‌صورت کلماتی مانند: توریخ و تاریخ به معنای نوشتن کتاب وجود دارد (دهخدا، ۱۳۸۸). در جامعه ایران آموزش مبحث تاریخ و آشنایی با دوران گذشته به‌صورت یک واحد درسی در دوره ابتدایی از کلاس چهارم به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

هرچند پیش زمینه‌های این درس جهت آمادگی دانش‌آموزان از سال اول ابتدایی در مراسمی چون ایام دهه فجر، مراسم عزاداری و تولد ائمه، صورت می‌گیرد (سازمان آموزش و پرورش ایران، ۱۳۸۸)؛ ولی این آشنایی برای دانش‌آموزان کافی نیست و چه بسا وقتی دانش‌آموزی در کلاس چهارم یک‌باره با یک مفهوم تاریخی و اصطلاحات رایج در آن برخورد می‌کند، دچار سردرگمی شده و نتواند موضوع مورد نظر را به‌خوبی درک کند.

امروزه مقوله آموزش تاریخ و آشنایی افراد با رویدادهای تاریخی، از دوران کودکی مورد بحث است که در حال حاضر، در کشورهای صنعتی از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلستان و استرالیا، در حال انجام است؛ زیرا عقیده بر این است: از آنجا که دوره کودکی، دوره‌ای اساسی است، اگر اصول و مفاهیم مربوط به ریاضی و علوم از جمله تاریخ و گذشته به کودک آموزش داده شود، در دوران مدرسه و بزرگسالی، آنچه که به وی عرضه می‌شود را به راحتی درک کرده و دچار سردرگمی و مشکل نخواهد شد (بلانکو و رزا، ۲۰۰۷).

مربیان و معلمان بزرگی چون ماریامونته سوری در برنامه آموزش برای کودکان از مبحث تاریخ در زیر گروه آموزش فرهنگ و هنر یاد می‌کنند که آموزش آن را همانند آموزش موسیقی و هنرهای تجسمی برای کودکان ضروری می‌دانند. موسیقی به‌عنوان گسترش دهنده‌ی فعالیت‌های زبانی و حسی کاربرد دارد. در تاریخ کودکان درباره‌ی دیگر فرهنگ‌های گذشته و حال مطالعه می‌کنند و این موضوع به آن‌ها حس احترام به خود و عشق به محیط را می‌آموزد. تجربه‌ها در طبیعت همراه با مواد موجود در آن احترام به زندگی را در کودک بر می‌انگیزد. تاریخ برای کودکان به وسیله‌ی هنر و موسیقی قابل تداعی است. شایان ذکر است که آموزش فرهنگ و هنر در برنامه درسی کودکان از نظر مونته‌سوری علاوه بر تاریخ، شامل مباحث دیگری از جمله جغرافیا، هنرهای تجسمی، موسیقی، علوم و رقص باله می‌باشد (نادری، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۴).

۳. فلسفه آموزش تاریخ به کودکان

برای اینکه موقعیتی فراهم کنیم تا به بچه‌ها بفهمانیم که موقعیت خود را در طول زندگی و در مسیر تاریخ پیدا کنند و بفهمند دنیایی که در آن متولد شده‌اند چیست، باید ابتدا از زمان و فلسفه آموزش آن به یک درک درست برسیم تا بتوانیم از پس معرفی تاریخ و بررسی رویدادهای آن به کودکان برآییم:

بچه‌ها در زمان متولد می‌شوند، بنابراین از گذشت زمان درک درستی ندارند (رود پیچ، ام. ریچ، ۲۰۰۴). در سال‌های اولیه کودکی به اندازه‌گیری زمان توجه زیادی می‌شود. والدین از کودکان می‌خواهند تا زمان را به‌طور مستقیم اندازه بگیرند که این طریق آموزش برای خردسالان مشکل است، معلمان با تقویم و ساعت زیاد کار می‌کنند که متأسفانه این کار به دلایل زیادی مؤثر واقع نمی‌شود. بسیار دیده شده است که مربیان کودکان در زمینه استفاده از تقویم با کودکان صحبت می‌کنند. در حالی که، کودکان توجهی نداشته و حتی به مربی خود نیز پاسخی نمی‌دهند (خلیلی، ۱۳۸۴).

برای آموزش اندازه‌گیری زمان دو راه وجود دارد که باید به هر یک جداگانه اشاره کرد: یک راه خواندن صفحه تقویم و ساعت است و راه دیگر اندازه‌گیری چیزی است که نمی‌توان آن را حس کرد. گذشت زمان یک مقوله ذهنی است و همه ما مراحل از زمان را پشت سر گذاشته‌ایم که به کندی یا به سرعت سپری شده است. درک مفهوم زمان برای کودک مشکل است، کودک خردسال در دوره پیش-دبستان، نسبت به زمان شناخت کمتری پیدا می‌کند و تنها شاهد گذشت شب و روز و نظم رویدادهای روزانه از جمله تماشای برنامه تلویزیون است. از او هیچ انتظاری برای وقت‌شناس بودن نداشته‌اند، از چند نوبت تغییر فصل نیز تجربه اندکی اندوخته است، با آغاز فصل مدرسه او ناگهان با زمان تنظیم شده روبه‌رو می‌شود که درک او از این زمان بسیار کم بوده و چه بسا با مشکل روبه‌رو می‌شود. بسیاری از مسائل کودکان در زمینه کار با تقویم و ساعت از این حقیقت ناشی می‌شود که از کودکان می‌خواهیم زمان دور از ذهنی را روی صفحه ساعت یا تقویم بخوانند بی‌آنکه نمادهای مشخص یا نظام‌های خاصی را به آن‌ها بیاموزیم. به‌طور کلی کودکان از زمان درک درستی ندارند با این حال در میان داستانی که از قبل شروع شده است خود را به‌عنوان یکی از شخصیت‌ها می‌بینند. آن‌ها همچنین می‌خواهند در تاریخ جایی داشته باشند پس اولین سؤال تاریخی‌شان به این صورت مطرح می‌شود: من از کجا می‌آیم؟ آیا من همیشه بوده‌ام؟ این دو سؤال به دو زمینه اصلی تاریخ یعنی: تاریخ داستانی از مردم و حوادث، تاریخ به‌عنوان گزارشی از زمان‌های گذشته مربوط می‌شود (رود پیچ، ام. ریچ، ۲۰۰۴).

سوالاتی که کودکان همیشه از دیگران می‌پرسند این است که زندگی در گذشته چگونه بوده است؟ خانه قدیمی شما چطور بود؟ زمانی که شما به مدرسه می‌رفتید قوانین مدرسه چطوری بودند؟ چرا تاریخ مطالعه می‌کنیم؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال دلایل بسیاری را می‌توان ذکر کرد از جمله:

- ✓ آشنایی با آداب و رسوم و سنت‌های گذشته؛
- ✓ دلایل شکست و پیشرفت دولت‌ها در طول زمان؛
- ✓ بررسی شرایط زندگی بزرگان دین، عالمان و پادشاهان؛
- ✓ آشنایی با نحوه برخورد دولت‌ها با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و ... (همان منبع).

درک مسأله تاریخ و مطالعه رویدادهایی که در طول زمان اتفاق افتاده‌اند برای بزرگسالان ساده است. اما اگر بخواهیم این مسأله را برای کودکان توصیه کنیم با مشکلاتی مواجه می‌شویم و چه بسا کودکان این مفهوم را اصلاً درک نکنند چون تاریخ یک مقوله انتزاعی است که مربوط به زمان گذشته می‌باشد. هر چند آثار و پدیده‌های مباحث تاریخی تا زمان حال هنوز پا برجاست، ولی از آنجا که کودکان هنوز درک درستی از گذشته ندارند، مفهوم تاریخ را درک نمی‌کنند. به‌طور کلی فلسفه آموزش و یادگیری تاریخ، آشنا کردن کودکان با زمان گذشته، حوادث و رویدادهایی که در آن دوران اتفاق افتاده، تأثیر آن‌ها در دوران حال و آماده کردن ذهن کودک جهت کنجاوی و بررسی جزئیات، می‌باشد (مورفی، ۲۰۰۹).

۴. هدف از تدریس تاریخ

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۱، سفارش به تقوا و عبرت از گذشتگان، در زمینه هدف و مطالعه تاریخ و دوران گذشته می‌فرماید: از آنچه برگزشتگان شما رفت عبرت گیرید که چگونه بند بند

اعضایشان از هم گسست. چشم و گوششان نابود شد، شرف و شکوهشان از خاطره‌ها محو گردید و همه ناز و نعمت‌ها و رفاه و خوشی‌هایشان پایان یافت (دشتی، ۱۳۸۸). به طور کلی آموزش و مطالعه تاریخ جهت آشنایی با سرگذشت گذشتگان، نحوه زندگی و چگونگی عملکردشان، صورت می‌گیرد. در جامعه ایران آموزش درس تاریخ و آشنایی با دوران گذشته، از دوران دبستان به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و چه بسا دانش‌آموزی که پیش زمینه قبلی نسبت به درک مفهوم یاد شده نداشته باشد، یادگیری برای او دشوار می‌شود. بنابراین آموزش و یادگیری تاریخ مانند دیگر مفاهیم باید از دوران کودکی شروع شود. در آموزش تاریخ مربی و معلم به کودک مفهوم زمان و دوران گذشته را می‌آموزاند و به او کمک می‌کند تا درباره شخصیت‌ها در زمان‌های متفاوت، شغل و پیشه مردم، نوع ساختمان‌هایی که می‌ساختند و اینکه چطور کار می‌کردند، نحوه حکومت و از این قبیل، دانش کسب کند (کترال، ۲۰۰۶).

۵. مفاهیم تاریخ برای کودکان

مهم‌ترین مفهوم در آموزش تاریخ برای کودکان، مفهوم زمان است. در واقع زمان در تاریخ نوعی رابطه است. همان‌طور که بچه‌ها آماده می‌شوند تا تاریخ را مطالعه کنند اول به دانش اساسی درباره زمان و رابطه بین دگرگونی و تغییر نیاز دارند. آن‌ها نیاز دارند تا درباره اندازه‌گیری زمان از قبیل سال، دهه، نسل و قرن مطلب بیاموزند. همچنین آن‌ها نیاز دارند درباره توالی و ترتیب حوادث در طول زمان فکر کنند و یاد بگیرند (رود پیازه و ام. ریچ، ۲۰۰۴).

از جمله مفاهیم ساده برای آموزش زمان به کودکان: ساختن یک آلبوم خانوادگی از عکس‌های دوران کودکی پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ و... می‌تواند کودکان را به گذشته برده تا با سنجش زندگی این نسل‌ها با زندگی خود، گذشت زمان را بهتر درک کند (قاپینی، ۱۳۸۵).

کودک قبل از اینکه بتواند درباره موضوعات تاریخی اطلاعات کسب کند باید بداند این اطلاعات و اخبار چگونه از دوران گذشته به زمان حال رسیده است. بنابراین کودک باید از ابزار ضروری تاریخ یعنی یادداشت و گزارش، داستان‌سرا یا قصه‌گو و سند تاریخی نیز اطلاعاتی کسب کند (رود پیازه و ام. ریچ، ۲۰۰۴).

از جمله مفاهیم دیگر تاریخی که کودک باید از آن‌ها آگاهی داشته باشد:

- ✓ تاریخ محل سکونت: کشور و شهر، بهترین‌ها برای اینکه بچه‌ها به تاریخ علاقه‌مند شوند این است که تاریخ را در جایی که زندگی می‌کنند پیدا کنند.
- ✓ مفهوم موزه: بهترین جا برای آشنایی کودک با ابزار آلات مورد استفاده گذشتگان رفتن به موزه و بازدید از اشیاء تاریخی است (آسوفو سوو، ۲۰۰۳).
- ✓ بازدید از بناهای تاریخی و باستانی.
- ✓ قهرمانان و مردان بزرگ تاریخ: قهرمانان ملی و سایر کشورها. ژان ژاک روسو در اثر معروف خود امیل می‌نویسد: تاریخ به‌طور کلی یک عیب بزرگ دارد و آن این است که فقط حوادث مهم و

برجسته را که اسم و محل و سنه آن معلوم است ذکر می‌کند. اما من خوش‌تر دارم برای شروع، شرح زندگی خصوصی مردان بزرگ را بخوانم (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۷).

۶. محتوای تاریخ برای کودکان

تاریخ به‌عنوان یک موضوع قابل آموزش برای کودکان، باید به گونه‌ای قابل درک برای کودکان مطرح شود تا در حین یادگیری علاوه بر اینکه احساس خستگی نکنند، از موضوع و مطلب ارائه شده نیز لذت ببرند. با توجه به نظر پیاز، می‌توان هر مطلبی را به کودکان آموخت به شرطی که آن مطلب به زبان کودک بیان شود. می‌توان مفاهیم تاریخی را به کودکان آموخت، البته این مفاهیم باید به گونه‌ای قابل درک برای کودک بوده و به زبانی بیان شود که تا حد ممکن از اصطلاحات سنگین و غیرقابل فهم او پرهیز شود. برای پی بردن به اینکه چه مطالب تاریخی را می‌توان به کودک آموخت تا او ضمن یادگیری، از مطلب نیز لذت ببرد مهم‌ترین عامل، در نظر گرفتن علائق و خواسته‌های کودک است (رود پیچ، ام‌ریچ، ۲۰۰۷).

هنگامی که از تاریخ برای کودکان صحبت می‌شود، منظور از تاریخ به معنای رایج آن، یعنی مطالعه رخدادهای تاریخی و سخن گفتن از پادشاهان و سیاستمداران دوره‌های گذشته نیست. با کودکان خردسال نمی‌توان درباره دوره‌های ویژه‌ی تاریخی همچون دوره هخامنشیان، صفویان یا مشروطه سخن گفت یا شرح حال داریوش، چنگیز یا امیرکبیر را بازگو کرد؛ اما می‌توان زندگی خود کودکان در دوره‌های گذشته را در قالب داستان برای آن‌ها روایت کرد و از زبان داستان و افسانه، تاریخ کهن یک ملت را به تصویر کشید. کودکان خردسال با شنیدن سرگذشت کودکی پدر و مادر خود لذت می‌برند و همواره در این باره از آن‌ها سؤال می‌کنند. این علاقه و کنجکاوی می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های گوناگون با محتوای تاریخی باشد (قایی، ۱۳۸۵).

۷. زمان لازم برای آموزش تاریخ به کودکان

برای در نظر گرفتن زمان مناسب برای آموزش مفاهیم مورد نظر تاریخی به کودکان و دانش‌آموزان باید به عنوان‌ها و مفاهیم در نظر گرفته شده توجه کرد. به‌طور کلی مربیان یا معلمان باید چند گام را جهت آموزش تاریخ به کودکان در نظر بگیرند که عبارتند از:

گام اول: مربیان یا معلمان باید عناوین و مفاهیمی که در طول ترم یا سال تحصیلی، قصد آموزش به فراگیران خود دارند را فهرست کنند. به‌عنوان مثال یک مربی یا معلم ممکن است در طول یک سال آموزشی، ۹ عنوان را برای آموزش در نظر بگیرد.

گام دوم: در نظر گرفتن زمانی که در طول سال تحصیلی می‌تواند با فراگیران در محیط کلاس درس در ارتباط باشد. به‌عنوان مثال ممکن است یک مربی یا معلم در یک سال تحصیلی ۳۶ هفته با فراگیران در کلاس درس در تماس باشد.

گام سوم: میزان زمان در نظر گرفته شده برای تدریس را با میزان عناوین و مفاهیم مورد توجه تقسیم کند که به عنوان مثال، اگر ۹ عنوان و ۳۶ هفته آموزشی داشته باشد، یک مربی یا معلم می‌تواند هر چهار هفته به عنوان و مفهوم جدید را به فراگیرانش بیاموزاند. با توجه به درک محدود کودکان از موضوعات و مفاهیم تاریخی به علت انتزاعی بودنشان، بهتر است مربیان یا معلمان حداکثر زمان لازم را برای آموزش یک مفهوم در نظر بگیرند و در طول این زمان، مفهوم مورد نظر را به شیوه‌های مختلف مانند: قصه-گویی، بازی، نمایش خلاق، گردش علمی و... به کودکان ارائه دهند تا بر اثر تکرار، مفهوم مورد نظر در ذهن کودکان جا بگیرد و آن را درک کنند (آ. سوفر. سوو، ۲۰۰۳).

۸. نقش آموزش تاریخ در تربیت

امروزه برای آموزش تاریخ هدف‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود که «تربیت نسل جوان» از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد (هاشم آبادی، ۱۳۸۹). تاریخ به عنوان معلم عقل و احساس، نقش مهمی در حیات جامعه بازی می‌کند. اطلاعات تاریخی یکی از مهم‌ترین ابعاد درک و فهم اجتماعی است که بدون آن، انسان بزودی نمی‌تواند به کمال برسد. تاریخ با ذکر وقایع بزرگ، سرنوشت‌ها و سرگذشت‌های شگفت‌انگیز، اضطراب‌ها و موفقیت‌ها، فرصت‌های مغتنمی را در اختیار خواننده می‌گذارد تا از آن‌ها بیاموزد (همان). در متون تاریخی، به مطالعه تاریخ گذشتگان و موضوعی که انسان از آن پند گیرد «درس عبرت» می‌گویند (نایه، ۱۳۸۳). تأکید و اصرار بر مطالعه حوادث تاریخی به منظور شناخت و پی بردن به علل سقوط تمدن‌ها و انهدام اقوام و ملل و کیفیت بروز انقلاب‌ها و تحولات تاریخی و همچنین به منظور عبرت گرفتن یعنی درس گرفتن و به کار بردن قوانین تاریخی و پیروی از سنت‌های تغییرناپذیر آن است. همچنین در اصطلاح قرآن سیر و گردش در زمین به معنای مطالعه تاریخ به کار رفته است (پایدار، ۱۳۸۷). «پس در زمین گردش کنید و بنگرید که عاقبت و سرانجام کسانی که (پیام ما را) تکذیب کردند، چگونه بود (سوره نحل، آیه ۶۳).

کسانی که گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهند بی‌شک با نقش تاریخ در تربیت آشنا هستند، چنان که "رژه گال" معتقد است: اگر موضوعی از گذشته باشد که بتواند بر روی حال و آینده اثر داشته باشد همان تاریخ است زیرا در تمدن بشری هزاران آزمایش را می‌شناسیم که نیاز به آزمودن مجدد آن‌ها نداریم (رژه گال، ترجمه مشایخی، ۱۳۴۸).

همچنین ولتر فرانسوی معتقد است: که تاریخ منحصرأ به شرح جنگ‌ها و ذکر سلسله سلاطین و حکمرانان و وقایع آن‌ها نیست، بلکه عبارت است: از وصف زندگی مردم گذشته با تمام معانی که از زندگی در نظر است. یعنی تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بشر (صدیق، ۱۳۳۶). توجه به تاریخ و دگرگونی‌های آن، این فرصت را به انسان عرضه می‌کند که از آنچه دیگران انجام داده‌اند درس عبرت بگیرند. اینکه ابن‌خلدون تاریخ خود را "کتاب العبر" نامیده پیداست که تا چه حد به تجربه تاریخی اهمیت داده است.

در واقع تاریخ تجربه‌های گذشته را به تجربه‌های کنونی ما می‌افزاید و زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند. اتکا به تجارب گذشته، اخذ تصمیم را در زندگی آسان می‌کند. در واقع آشنایی با تاریخ، انسان را از بسیاری فریب‌های حقارت‌آمیز و از دلخوشی‌های بی‌حاصل باز می‌دارد و به انسان نگاهی عمیق و ریشه‌دار می‌دهد تا در ورای حوادث نفوذ کند و زندگی محدود و کوتاه خود را با زندگی گذشته، عمیق‌تر و پرمعنی‌تر سازد. بدینگونه با یادآوری اشتباهات گذشته، تاریخ می‌تواند انسان را از تکرار آن‌ها باز دارد (زرین کوب، ۱۳۷۵).

۹. نقش خانواده در آموزش و یادگیری تاریخ به کودکان

شاید این سخن شگفت‌آور به نظر برسد که نخستین کلاس درس تاریخ انسان‌ها در خانه شکل گرفته است. بدین معنا که، در جامعه‌هایی که دارای سنت پهلوانی و جنگجویی بوده‌اند، زنان و در اصل مادران، در محیط خانه برای کودکان خود از اقدامات پهلوانان که همان دل‌آور مردان خاندان خویش بوده‌اند، سخن به میان می‌آوردند. بدین ترتیب زنان خانه‌نشین وظیفه‌ای نداشتند جز اینکه «نشینند و زاینند شیران نر». بدین ترتیب تاریخ با هر محتوا و مضمونی، در بردارنده مسائل اساسی تربیت نسل آینده محسوب می‌شد. از این‌روست که می‌گوییم نخستین کلاس درس تاریخ در خانه‌ها بوده است (خیراندیش، ۱۳۸۹). بنابراین برای اینکه موقعیتی برای کودکان فراهم کنیم تا جایگاه خود را در طول زندگی در تاریخ پیدا کنند و بفهمند دنیایی که در آن متولد شده‌اند چیست، والدین در بهترین موقعیت هستند. بدون اطلاعات درباره تاریخ، بچه‌ها چیز زیادی برای فهمیدن، دیدن و شنیدن اطرافشان به دست نمی‌آورند.

همان‌طور که والدین می‌توانند منبع مثبتی برای فرزندانشان باشند، به همان صورت نیز می‌توانند علاقه آن‌ها را به تاریخ جلب کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند نگرش کودکانشان را از طریق گفتن: تاریخ کسل‌کننده است یا وقتی من به مدرسه می‌رفتم نسبت به کلاس درس تاریخ هیجان داشتم، منفی یا مثبت، شکل دهند. والدین نمی‌توانند کودکانشان را مانند تاریخ بسازند اما می‌توانند آن‌ها را تشویق کنند تا در درس تاریخ از خود علاقه نشان دهند (رود پیچ، ام. ریچ، ۲۰۰۴).

والدین به‌عنوان مشوقان اصلی در یادگیری کودکان برای ایجاد عادت تاریخی در آن‌ها می‌توانند کارهایی انجام دهند که به کودک نشان دهند تاریخ نه تنها یک موضوع درسی با اهمیت است بلکه در زندگی روزمره نیز با ارزش است. از جمله کارهایی که خانواده می‌تواند در علاقه‌مند کردن کودکان نسبت به درس تاریخ انجام دهد، این است که:

- ✓ با کودکان درباره گذشته خانواده صحبت کنند.
- ✓ با کودکان درباره مردم و رویدادهای متفاوتی که در دنیا اتفاق افتاده است، صحبت کنند.
- ✓ به کودکان کمک کنند تا بفهمند مردمی که سازنده تاریخ هستند، افرادی واقعی مثل خود آن‌ها هستند.
- ✓ با اعضای خانواده برنامه‌های تلویزیونی را درباره موضوعات مهم تاریخی ببینند.
- ✓ برای کودک فرصتی فراهم کنند تا از نزدیک بناها و اماکن تاریخی و موزه‌ها را ببینند.
- ✓ از وسایلی چون کره جغرافیا، نقشه و دایره‌المعارف استفاده کنند.

✓ به بچه‌ها کمک کنند تا بر اساس ایده‌ها و علاقه‌های خودشان، موضوعات تاریخی را انتخاب کنند (رود پیچ، ام.ریچ، ۲۰۰۴).

۱۰. نقش و اهمیت بازی در آموزش تاریخ به کودکان

بازی امری طبیعی است که در دوران کودکی ظاهر می‌شود. کودک از راه بازی تماس با چیزها را آغاز می‌کند و به این ترتیب استعدادهایش را پرورش و گسترش می‌دهد. او به وسیله بازی، کار کردن را یاد می‌گیرد و رابطه خود را با همسالان و بزرگترها توسعه می‌دهد و اگر فعالیت‌های درسی با فعالیت‌های عملی و بازی توأم شود، آموزش برای کودک، سرشار از شادی و لذت شده و کودک مطلب را بهتر درک می‌کند (موسائی، ۱۳۷۰).

ماریا مونته سوری بازی را مدرسه بزرگی می‌داند که کودک در آن پرورش می‌یابد و نیروی بدنی، ذهنی و اجتماعی او رشد می‌کند و او را برای زندگی از هر جهت آماده می‌کند. همچنین ژان پیاژه معتقد است، پیشرفت و بازی کودکان در مسیر رشد و تکامل خود به سه شکل بازی‌های تمرینی، بازی‌های نمادین و بازی‌های با قاعده نمایان می‌شود که بازی‌های با قاعده در سنین ۴-۷ سالگی ادامه می‌یابد و در سنین ۱۱ سالگی به مرحله نهایی رشد خود می‌رسد (یاسائی، ۱۳۸۵).

از آنجا که بازی بهترین وسیله برای آموزش مفاهیم به کودکان است، اگر تدریس مفاهیم از جمله تاریخ به صورت بازی‌های متنوع طراحی شود، هم فضای لذت بخشی در کلاس فراهم می‌شود و هم می‌توان به هدف اصلی خود که آموزش مفاهیم توسط خود یادگیرندگان است نائل شد.

۱۱. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف چگونگی آموزش تاریخ به کودکان با تأکید بر نقش تربیتی آن انجام شد که مهم‌ترین نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

۱. در دنیای امروز، اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش در دوره ابتدایی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه است. افزایش روزافزون متقاضیان آموزش این دوره، نیاز والدین شاغل و نیاز جامعه منجر به تهیه برنامه‌های غنی و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی مطلوب برای گروه‌های سنی مختلف کودکان شده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد آموزش در دوره ابتدایی تأثیر بسیار مطلوبی در موفقیت کودکان در دوره‌های بعدی تحصیلی دارد.

۲. در جامعه ایران آموزش مبحث تاریخ و آشنایی با دوران گذشته به صورت یک واحد درسی در دوره ابتدایی از کلاس چهارم به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. مقوله آموزش تاریخ و آشنایی افراد با رویدادهای تاریخی، از دوران کودکی مورد بحث است؛ زیرا عقیده بر این است: از آنجا که دوره کودکی، دوره‌ای اساسی است، اگر اصول و مفاهیم مربوط به ریاضی و علوم از جمله تاریخ و گذشته به کودک آموزش داده شود، در دوران مدرسه و بزرگسالی، آنچه که به وی عرضه می‌شود را به راحتی درک کرده و دچار سردرگمی و مشکل نخواهد شد.

۳. برای اینکه موقعیتی فراهم کنیم تا به بچه‌ها بفهمانیم که موقعیت خود را در طول زندگی و در مسیر تاریخ پیدا کنند و بفهمند دنیایی که در آن متولد شده‌اند چیست، باید ابتدا از زمان و فلسفه آموزش آن به یک درک درست برسیم تا بتوانیم از پس معرفی تاریخ و بررسی رویدادهای آن به کودکان برآیم. درک مسأله تاریخ و مطالعه رویدادهایی که در طول زمان اتفاق افتاده‌اند برای بزرگسالان ساده است. اما اگر بخواهیم این مسأله را برای کودکان توصیه کنیم با مشکلاتی مواجه می‌شویم و چه بسا کودکان این مفهوم را اصلاً درک نکنند چون تاریخ یک مقوله انتزاعی است که مربوط به زمان گذشته می‌باشد. هرچند آثار و پدیده‌های مباحث تاریخی تا زمان حال هنوز پا برجاست، ولی از آنجا که کودکان هنوز درک درستی از گذشته ندارند، مفهوم تاریخ را درک نمی‌کنند. به‌طور کلی فلسفه آموزش و یادگیری تاریخ، آشنا کردن کودکان با زمان گذشته، حوادث و رویدادهایی که در آن دوران اتفاق افتاده، تأثیر آن‌ها در دوران حال و آماده کردن ذهن کودک جهت کنجکاوی و بررسی جزئیات، می‌باشد.
۴. تاریخ به‌عنوان یک موضوع قابل آموزش برای کودکان، باید به گونه‌ای قابل درک برای کودکان مطرح شود تا در حین یادگیری علاوه بر اینکه احساس خستگی نکنند، از موضوع و مطلب ارائه شده نیز لذت ببرند. برای پی بردن به اینکه چه مطالب تاریخی را می‌توان به کودک آموخت تا او ضمن یادگیری، از مطلب نیز لذت ببرد مهم‌ترین عامل، در نظر گرفتن علائق و خواسته‌های کودک است.
۵. تعلیم و تربیت محصول تاریخ و عاملی اساسی در سرنوشت فرد و جامعه است. به‌ویژه در عصر کنونی که تعلیم و تربیت باید انسان‌ها را برای همساز شدن با تغییر و تبدیل که خصیصه اساسی روزگار ماست، آماده سازد. آموزش و پرورش در تمام دوران تاریخ انسان دارای هدف بوده است. این هدف بر حسب زمان و مکان و اختلاف نیازهای حیاتی مردم تغییر پیدا می‌کرده است. عوامل گوناگون طبیعی، اجتماعی، دینی، اقتصادی، سیاسی ... در تعیین هدف‌های آموزش و پرورش مؤثر بودند. مطالعه در تاریخ هدف‌های تربیتی نشان می‌دهد که در هر زمان انسان به جنبه خاصی از زندگی (در ارتباط با نیازهای آنی خود) توجه داشته است و مریدان آن را هدف غایی آموزش و پرورش یعنی تربیت نسل جوان، قرار داده‌اند. این تربیت ابتدا توسط خانواده و سپس معلمان در مدرسه انجام می‌شود که بازی بهترین روش برای آموزش تاریخ در راستای تربیت کودکان می‌باشد.
۶. از آنجا که نظام آموزشی هر جامعه، اهداف آن، محتوایی که برای دستیابی به آن اهداف تعیین می‌کند، عملکرد آن نظام از جهت روش‌ها و موادی که برای دستیابی به آن اهداف دارد، نقش کلیدی در تربیت نسل‌های آن جامعه داشته و این نسل‌ها هستند که توسعه و تعالی آن جامعه را رقم می‌زنند، بنابراین توجه به اهداف آموزشی و بررسی میزان دستیابی دانش‌آموزان به این اهداف بسیار ضروری است. یکی از ارکان نظام آموزشی که در یادگیری و ارائه بهتر مفاهیم و مطالب به کودکان کمک شایانی می‌کند، روش تدریس مناسب برای ارائه بهتر آن مفهوم به دانش‌آموزان می‌باشد که تمامی مریدان و معلمان باید از انواع روش‌های تدریس و کاربرد هر یک از آن‌ها برای آموزش مفاهیم مورد نظرشان آشنا باشند. از آنجا که بازی بهترین وسیله برای آموزش مفاهیم به کودکان است، اگر تدریس مفاهیم از جمله تاریخ به صورت بازی‌های متنوع طراحی

شود، هم فضای لذت بخشی در کلاس فراهم می‌شود و هم می‌توان به هدف اصلی خود که آموزش مفاهیم توسط خود یادگیرندگان است نائل شد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- فرهنگ لغت دهخدا.
- اساس نامه دوره پیش دبستان، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، (۱۳۸۸).
- پایدار، حبیب الله (۱۳۸۳). برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: انتشارات سلمان.
- خلیلی مهدیرجی، مریم (۱۳۸۴). بررسی مفاهیم ریاضی در دوره پیش دبستان و تعیین شیوه ارائه مناسب آن از دیدگاه مربیان مراکز پیش دبستانی مناطق آموزشی ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۱ شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- رژه گال (۱۳۴۸). تاریخ چیست، ترجمه محمد مشایخی، انتشارات تهران.
- زرین کوب، محمدحسین (۱۳۷۵). تاریخ در ترازو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ژان ژاک روسو (۱۳۸۷). امیل، ترجمه غلام حسین زیرک زاده، تهران: نشر ناهید.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۶). تاریخ فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قایینی، زهره (۱۳۸۵). گام به گام با تاریخ، اصفهان: انتشارات چیستا.
- موسائی، محمد اسماعیل (۱۳۷۰). اصول و روش های آموزش و پرورش در مهد کودک و پیش دبستان، تهران: نشر گل‌ها.
- نادری، بهار دخت، «نامه مربی»، مرداد و شهریور ۱۳۸۶، شماره ۴۴.
- نایه، مهدی (۱۳۸۳). عبرت‌های تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: انتشارات ساعس.
- هاشم آبادی، زهرا (۱۳۸۹). «نقش آموزش تاریخ در تربیت»، فصلنامه رشد آموزش تاریخ، دوره یازدهم، شماره ۲۲.